

Article Type: Conceptual/Applied

نوع مقاله: مفهومی/کاربردی

Natural Resources Stakeholders

M. Kolahi

Assistant Professor, Faculty of Natural Resources and Environment, Water and Environment Research Institute, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: MahdiKolahi@um.ac.ir

Received: 23-08-2020

Accepted: 29-12-2020

گروداران منابع طبیعی

مهدی کلاهی

استادیار دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، پژوهشکده آب و محیط زیست، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

E-Mail: MahdiKolahi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

Abstract

Stakeholder analysis is essential in any adaptive comanagement. In the meantime, different words are used to name and separate stakeholders. The main purpose of this article is to clarify the term of stakeholder and their types in good governance of natural resources (water, issues of natural habitats, and environmental problems). By applying a descriptive-analytic method, the paper identifies the semantic difference among the word of stakeholders and those such as beneficiaries and authorities. It then divides the stakeholders into two main categories and 11 groups. The findings of the study indicate that the lack of proper vocabulary, coupled with a misunderstanding or limited understanding of the term of natural resources' stakeholders, alone is sufficient to defeat plans of or to destroy natural resources. It also argues that nowadays the discussions of stakeholder analysis and stakeholder engagement are important because balancing the dissimilar needs, desires, and expectations by different stakeholders is more important than ever, and of course, it has become more complex. As a result, identifying, analyzing, and engaging stakeholders is the basis of participatory management and sustainable conservation. Finally, there is a need for open policies to attract stakeholder engagement.

Keywords: Stakeholder Engagement, Stakeholder Analysis, Adaptive Co-management, Good Governance.

چکیده

لازمه حکم‌روایی خوب و مدیریت مشارکتی-تطبیقی در هر موضوعی، شناخت افراد و نهادهای مرتبط است. در این بین، واژگان مختلفی برای نام‌گذاری و تفکیک آنها از یکدیگر به کار گرفته می‌شوند. هدف اصلی این مقاله، روشن‌گری در مورد واژه گروداران و انواع آنها در حکم‌روایی خوب منابع طبیعی (آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی) است. این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیلی-توصیفی، تفاوت معنایی واژه گروداران با عناوینی همچون ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران را مشخص می‌سازد. سپس گروداران را در دو دسته و ۱۱ گروه تقسیم‌بندی می‌نماید. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که درک نادرست یا محدود از واژه گروداران منابع طبیعی، به‌همراه عدم به‌کارگیری صحیح نقش‌ها، می‌تواند به شکست طرح‌ها و نابودی منابع طبیعی بیانجامد. همچنین بیان می‌کند، بحث تح لیل گروداران و مشارکت گروداران از این جهت مهم است که امروزه ایجاد موازنه بین نیازها، خواسته‌ها و انتظارات متفاوت گروداران مختلف، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و البته پیچیدگی‌های زیادی نیز دارد. در نتیجه، شناسایی، تحلیل و مشارکت گروداران، اساس مدیریت مشارکتی-تطبیقی و حفاظت پایدار است. در پایان، ضرورت اتخاذ سیاست‌های باز برای جلب همکاری گروداران تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: یاری‌گری گروداران، تحلیل گروداران، مدیریت مشارکتی-تطبیقی، حکم‌روایی خوب.

آب، زیستگاه‌های طبیعی (همچون جنگل‌ها، مراتع، بیابان‌ها، چشم‌اندازها، تالاب‌ها) و مسائل محیط‌زیستی (آلودگی‌ها)، باید حداقل به چهار سوال اساسی پاسخ داد: (الف) با چه کسانی یا نهادهایی قرار است مشارکت شود؟ (ب) چرا باید مشارکت انجام شود؟ (ج) چگونه و براساس چه ساختاری این مشارکت صورت بگیرد؟ (د) از کی و هر چند وقت به چند وقت این مشارکت باید اتفاق بیافتد؟ (Worboys و همکاران، ۲۰۱۵) بنابراین در اولین قدم برای رسیدن به مشارکت، نیاز است کلیه افراد و نهادهای مرتبط با موضوع، شناسایی شوند. در ادبیات انگلیسی، به این عبارت «کلیه افراد و نهادهای مرتبط»، واژه «Stakeholders» اطلاق می‌شود. سوال این است که برای این واژه انگلیسی، چه معادل مناسب پارسی در رشته‌های آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست می‌توان ارائه کرد.

این مقاله با به‌کارگیری روش تحلیلی-توصیفی، واژه و انواع Stakeholders در منابع طبیعی را بررسی کرده و اهمیت و جایگاه آنها را در حکم‌روایی خوب آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی ترسیم می‌نماید. یافته‌های این مقاله، مبنایی برای شناسایی افراد و نهادهای مرتبط است. آن همچنین افق برنامه‌ریزی برای شناسایی، سیاست‌گذاری، مشارکت و درگیر کردن افراد یا نهادهای Stakeholder را مشخص می‌کند.

مناسب‌ترین برگردان فارسی برای واژه Stakeholder

در فرهنگ‌لغت‌های مختلف انگلیسی به فارسی، برای واژه Stakeholder، معانی مختلفی همچون گروه‌گذار؛ ذی‌نفع؛ ذی‌دخل/جوانب ذی‌دخل، پشتیبان؛ و سهام‌دار نوشته شده است. برای موضوع مقاله حاضر در زمینه منابع طبیعی، تعاریف فوق از قدرت مفهومی-کاربردی مناسبی برخوردار نبوده و چالش‌هایی در گفتگوهای افراد درگیر و نیز در گام‌های مدیریت مشارکتی ایجاد کرده است. این چالش‌ها حتی باعث تعارض‌ها و تضادهای بسیاری در سطوح بین‌فردی، بین‌گروهی، بین‌سازمانی، و فرا-سازمانی شده است (پایسته و همکاران، ۱۳۹۹؛ جنتی چنار و کلاهی، ۱۳۹۷). گاهی عمده درگیری‌ها از عدم شناخت درست جایگاه یکدیگر است (Wellard و Grimble، ۱۹۹۷؛ Kolahi و همکاران، ۲۰۱۲؛ Crawford و همکاران، ۲۰۱۷؛ Ford و همکاران، ۲۰۲۰). باتوجه به مفهوم حکم‌روایی آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی، برگردان‌های فوق مناسب رشته‌های آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست نبوده، بلکه در این مقاله تاکید بر معرفی واژه پارسی «گرودار» است. برای بررسی دقیق‌تر این پیشنهاد، ابتدا توضیحاتی چند تا از فرهنگ‌لغت‌های معروف انگلیسی به انگلیسی در مورد واژه Stakeholder مرور می‌شود (جدول ۱).

حکم‌روایی منابع طبیعی^۱ مفهومی است که به مدیریت و همچنین ساختارها و فرایندهای اجرایی منابع طبیعی پرداخته و نوع و کیفیت رفتارهای قابل قبول را در زمان و مکان مشخص تعیین می‌کند (حسینی و نوروزی، ۱۳۹۵). حکم‌روایی (حکم‌رانی یا نظام تدبیر)، با ایجاد سازوکاری برای تصمیم‌سازی، اولویت‌بندی، تصمیم‌گیری، پیاده‌سازی و پایش دائمی تصمیم‌ها (Habitat، ۲۰۰۶)، نقش مهمی در پایداری اجتماعی-محیط‌زیستی جوامع انسانی و طبیعی ایفا می‌کند. حکم‌روایی برخلاف حاکمیت^۲ به‌عنوان قدرت مطلق فرمانروایی (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲) و برخلاف مدیریت به‌عنوان فرایند به‌کارگیری منابع و هنر انجام کارها توسط دیگران (Worboys و همکاران، ۲۰۱۵)، چارچوبی ارزشی میان افراد و نهادها برای دستیابی به اهداف، برنامه‌ها و منافع مشترک است (شریف‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر، اصطلاحات جدیدتری همچون حکم‌روایی خوب^۳، مدیریت مشارکتی^۴ و همچنین مدیریت مشارکتی-تطبیقی^۵ منابع طبیعی معرفی شدند که بیانگر فهرستی از ویژگی‌های پسندیده و نگرانی‌های هنجاری مرتبط هستند (Grindle، ۲۰۱۲). آنها به‌جای نسخه‌پیچی و اعمال ساختاری ایستا، برابندی پویا بوده و تعامل اجتماعی-نهادی-محیطی کلیه افراد و نهادهای درگیر را نمایان می‌سازند (Armitage و همکاران، ۲۰۱۰). حکم‌روایی کنونی منابع طبیعی کشور با چالش‌های زیادی روبه‌رو است. فقدان نهادی قوی، بودجه و نیروی انسانی ناکافی، قوانین حجیم، مبهم و با حمایت کمتر در اجرا، و به‌ویژه مشکلات و تعارضات اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، قانونی، سیاسی، ظرفیتی، داده‌ای، اطلاعاتی، و نهادی (کلاهی، ۱۳۹۸؛ Kolahi و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۳؛ ۲۰۱۴a؛ ۲۰۱۴b) همگی سبب پیچیدگی‌های زیادی در موفقیت مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی شده‌اند (کلاهی، ۱۳۹۹). به هر حال، برای حکم‌روایی خوب، مدیریت مشارکتی و مدیریت مشارکتی-تطبیقی منابع طبیعی، مجموعه‌ای از شاخص‌های مختلفی معرفی شده‌اند که شاخص مشارکت جز مهمترین شاخص‌ها بوده و در کلیه گزارشات، مشترک می‌باشد (پایسته، ۱۳۹۸).

در سال‌های اخیر، رویکرد مشارکت به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد ضروری و مورد نیاز مدیریت مسائل و مشکلات منابع طبیعی (آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی) کشور معرفی شده است (کلاهی، ۱۳۹۸). تعداد زیاد سخنانی‌ها و نوشتارها در این زمینه، این ضرورت را به‌خوبی هشدار داده و تبیین نموده است. برای اجرا و تقویت مشارکت در مدیریت

جدول ۱- برخی از تعاریف واژه Stakeholder در چند فرهنگ لغت مطرح انگلیسی به انگلیسی

Dictionaries	Definitions of Stakeholder	ترجمه معانی
Oxford (۲۰۲۰)	A person [or a type of organization or system] with an interest or concern in something, especially a business	فردی {یا سازمانی یا نهادی} علاقه‌مند یا نگران نسبت به چیزی، به ویژه به یک کسب‌وکار.
Cambridge Business English (۲۰۲۰)	a person or group of people who own a share in a business; a person such as an employee, customer, or citizen who is involved with an organization, society, etc. and therefore has responsibilities towards it and an interest in its success	هر فرد یا گروهی از افراد که در کسب‌وکاری سهیم است؛ فردی مانند مشتری، کارمند یا شهروند که در سازمانی، جامعه‌ای یا هر نهاد دیگری درگیر بوده و بنابراین در قبال آن نهاد مسؤولیت‌هایی دارد و به موفقیت آن، علاقه‌مند است.
Merriam-Webster (۲۰۲۰)	One that has a stake in an enterprise; one who is involved in or affected by a course of action	سهام‌دار یک شرکت؛ کسی که درگیر مجموعه‌ای از کنش‌ها بوده یا از آنها تاثیر می‌پذیرد.
Longman (۲۰۲۰)	Someone who has invested money into something, or who has some important connection with it, and therefore is affected by its success or failure	فردی که در چیزی سرمایه‌گذاری کرده یا ارتباط قوی با آن دارد و در نتیجه تحت تاثیر شکست یا موفقیت آن قرار می‌گیرد.

است، به دو دلیل، مناسب‌ترین برگردان برای واژه Stake، همانا «گرو» پیشنهاد می‌شود:

(۱) طبق تعاریف، واژه Stakeholder دربرگیرنده افرادی است که سهم یا دغدغه‌ای در چیزی دارند. در اینجا معادل گرودار را به کار برده می‌شود. زیرا در اصل، «گرو» هم دارای بُعد مادی بوده و هم دارای بُعد معنوی یا حسی است. مثلاً از نظر بُعد مادی، فردی «سند خانه» خود را به‌عنوان «گرو» در اختیار دیگری قرار می‌دهد. از نظر بُعد معنوی/حسی، مثلاً مجنون «دل» در گروی لیلی داشت. یعنی واژه گرو، می‌تواند شامل هم سخت‌افزار شود و هم نرم‌افزار. این توانایی واژه «گرو» برای پوشانیدن چنین گستره بزرگی از موضوعات، آنرا مناسب‌ترین برگردان برای واژه Stake می‌کند. پس باید نوشت که آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی جز گروهایی هستند که در اختیار کسانی می‌باشند که برخی دیگر ممکن است حتی بدون تملک، در مورد آنها علاقه یا دغدغه‌ای داشته باشند.

(۲) در مفهوم واژه انگلیسی Stake و معادل فارسی آن یعنی گرو، دو مفهوم وثیقه و شرط کاملاً مشهود است. به عبارت دیگر، می‌توان بیان کرد گرو وثیقه‌ای است که با شرط و شروطی در اختیار گذاشته می‌شود. با دقیق شدن در مفهوم و کاربرد آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی، چنین دریافت می‌شود که اینها نمی‌توانند فقط از آن یک نفر باشند. زیرا در صورتی که مالکیت فردی و انحصاری روی مثل آب وجود داشته باشد، به مفهوم آن است که دیگران حق استفاده از آب را ندارند. دسترسی به آب سالم یکی مواد از حقوق بشر است. عدم دسترسی به آب، تشنگی و سپس مرگ را به همراه دارد. پس باید نتیجه گرفت که آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی، به‌عنوان «گرو» در اختیار افرادی قرار می‌گیرند که مسئولیت نگهداشت آنها را قبول کرده‌اند و مجوز

آنچه از بررسی فرهنگ‌لغت‌های ذکر شده در جدول (۱) به‌دست می‌آید این است که Stakeholder، فرد، گروه یا نهادی است که در موضوع یا فعلی سهیم بوده، علاقه دارد یا نگران تاثیر تغییرات در آن است. به‌عبارت‌دیگر، فرد یا گروه یا نهادی است که علاقه یا سهم یا تاثیری از یا بر فعالیت یا پدیده‌ای در وضعیت جاری یا در حال اجرا یا در آینده دارد. با این توضیح، می‌توان درک کرد که برای هر موضوع مورد بحثی، به هر حجمی از افراد، گروه‌ها یا نهادهای مرتبط، می‌توان عنوان Stakeholder را در نظر گرفت.

واژه Stakeholder از ترکیب دو واژه یعنی Stake و Holder تشکیل شده است. فرهنگ لغت آریانپور، به‌عنوان یکی از کامل‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ‌لغت‌های انگلیسی به فارسی، برای واژه Stake، معنایهایی همچون گرو و شرط و برای واژه Holder، معنایهای «دارنده، نگاه‌دارنده، گیرنده، و اشغال‌کننده» را ارائه داده است. در همین راستا، فرهنگ لغت دهخدا واژه «گرو» را «پول یا مال یا چیزی دیگر که قرض‌گیرنده نزد قرض‌دهنده گذارد تا پس از ادای قرض (یا اجرای تکالیف) مسترد شود» و هم‌چنین «رهن» معرفی می‌کند. فرهنگ فارسی معین، معادل‌های «رهن» و «شرط» را پیشنهاد کرده و در نهایت، فرهنگ فارسی عمید معادل‌هایی چون «چیزی که در نزد کسی بگذارند و در حدود ارزش آن پول قرض کنند به این شرط که هر گاه پول را دادند آن را پس بگیرند» «گروگان» یا «شرط‌بندی» را مفهوم‌سازی می‌نماید. شاعران بزرگ نیز از واژه «گرو» استفاده کرده‌اند همچون سعدی (دم به عشق گرفتار و جان مهر گرو/درآمد از دم آن دلفروز جان آرام)، مولوی (هین مکن خود را خصی رهبان مشو/زانکه عفت هست شهوت را گرو) و خاقانی (هفت دریا گرو چشم من است/من یتیمم به بیابان چه کنم). باتوجه‌به موضوع این مقاله که در زمینه آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی

داشتن این گروه‌ها را دریافت نموده‌اند. به‌عنوان مثال، فرد کشاورزی که چاه آب دارد نمی‌تواند به استناد داشتن سند چاه، نسبت به کمیت یا کیفیت آب چاه بی‌تفاوت بوده یا به آنها آسیب بزند. یا فرد مرتع‌داری که مرتع وسیعی در اختیار دارد، نمی‌تواند به استناد داشتن پروانه و طرح مرتع‌داری، هر بلایی که بخواهد سر مرتع بیاورد. اینها، امانت‌داری هستند که آن چاه آب و مرتع را به‌عنوان وثیقه و امانت در اختیار گرفته‌اند و طبق شرط و شروطی، نسبت به نسل کنونی و آینده، مسؤول و پاسخگو هستند. در این زمینه، Freeman (۲۰۰۱) تلاش کرد تا با ارائه «نظریه گروه‌داران»، توجه را به شکل‌گیری و تعریف دو موضوع اجتماعی یعنی اخلاق کسب‌وکار و هم‌چنین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها جلب کند. در نتیجه، مناسب‌ترین برگردان فارسی برای واژه Stakeholder، «دارنده‌گرو» یا همان «گرودار» است.

لازم به توضیح است معادل «گروگذار» برای واژه Stakeholder، مناسب نیست زیرا این واژه، از طرفی، به‌علت «منابع مشترک» بودن آب، اکوسیستم‌های طبیعی و محیط‌زیست (Hardin، ۱۹۶۸)، انحصاراً در اختیار کسی نمی‌تواند باشند و آنها باید به‌صورت مشترک و عمومی استفاده شوند. از طرف دیگر، واژه گروگذار، به‌ویژه مسئولیت‌پذیری درون و بین‌نسلی حاصل از امانت‌داری آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی را برجسته نمی‌کند. بلکه نوعی برتری نسبی منت‌وار فرد یا نهاد گذارنده گرو را القا می‌کند. در نهایت اینکه، واژه گروگذار آن بسط و جامعیتی که واژه گرودار دارد را شامل نمی‌شود. در نتیجه، به‌کارگیری معادل گروگذار نادرست است. واژه «نقش‌آفرینان» نیز نمی‌تواند معادلی مناسب باشد زیرا گروداران، نقشی نمی‌آفرینند که به آنها نقش‌آفرینان گفته شود. همین تذکر برای واژه «نقش‌داران» نیز رواست، زیرا همه گروداران، دارنده «نقش» نیستند؛ آنها ممکن است فقط علاقه داشته باشند. معادل‌های دیگری نیز برخی از ترجمه‌کنندگان استفاده می‌کنند که به احتمال قوی نمی‌توانند به اندازه واژه گروداران، بار معنایی داشته باشند. بنابراین باید بیان کرد که گروداران در بین مردم محلی، به مالک یا اختیاردار و تصمیم‌گیر گفته می‌شود. گروداران در بین معلمان و فرهنگیان، به کسی گفته می‌شود که نسبت به کسی یا چیزی تعهدی داشته باشد. در بین کارمندان بانک به مفهوم سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری با صرف هزینه است. همچنین گروداران در جمع‌های بازاریابی به شش گروه اصلی یعنی مشتریان، تامین‌کنندگان، کارکنان، سهام‌داران، تنظیم‌کننده‌ها و جامعه محلی مربوط می‌شود (Gaur، ۲۰۱۳). این موضوع، اهمیت پردازش هر واژه در تخصص مربوطه را برجسته می‌سازد. واژه گروداران امروزه در تعدادی از منابع علمی محدود همچون درودیان (۱۳۹۶)، داورانی (۱۳۹۶)، نوشین فر (۱۳۹۶) و طاهری تیزرو و همکاران (۱۳۹۷) برای معادل انگلیسی Stakeholder

به‌کار رفته است. به‌عنوان نمونه، درودیان (۱۳۹۶) با اشاره به اینکه گروداران آب، یا مالک حقایق یا خریدار آب، یا بهره‌بردار، تصمیم‌گیر و شاید هم پیمانکار و خدمات‌دهنده حوزه آب هستند، آنان را بیشتر کسانی در نظر گرفته که روی پروژه اثرگذار بوده یا از آن اثرپذیر هستند. عبارت تحت تاثیر قرار گرفتن یا قرار دادن، نشان‌دهنده دربرگیری افراد خارج از مجموعه است که می‌توانند خود را به‌عنوان یک گرودار در نظر بگیرند حتی وقتی که آن مجموعه نسبت به چنین افرادی بی‌توجه بوده یا حتی آنها را قبول نداشته باشد (Freeman، ۲۰۰۱). در نتیجه، گرودار آب، همان فرد، گروه یا سازمانی است که علاقه و یا سهمی در موضوع آب دارد و ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر سیاست آب قرار گرفته و یا توانایی تاثیرگذاری مثبت یا منفی بر نتیجه را داشته باشد. بنابراین، گروداران، روی چشم‌انداز، مأموریت‌ها، اهداف، اقدامات و سیاست‌های مرتبط با گرو تاثیر می‌گذارند یا از آنها و دستاوردها و خروجی‌هایشان تاثیر می‌گیرند؛ همچنین انتظارات و ادعاهایی دارند و ممکن است به‌وسیله اهرم‌های مختلف، آنها را اعمال کنند (Hitt و همکاران ۲۰۱۰). به بیانی ساده‌تر، گروداران آب به کلیه افراد، گروه‌ها یا نهادهایی اطلاق می‌شود که زندگی، معیشت، سهم، کار یا دغدغه و علاقه آنان با آب گره خورده است و مستقیم یا غیرمستقیم تاثیرپذیرند یا تاثیرگذارند.

لازم به ذکر است که در بیشتر مقاله‌ها، کتاب‌ها یا ترجمه‌ها، از کلمه ذی‌نفعان^۶ برای معادل انگلیسی واژه Stakeholder استفاده می‌شود. به سه دلیل این اطلاق می‌تواند باعث عدم درک درست از این واژه انگلیسی شود:

• اول اینکه، ذی‌نفعان، جزو گروداران هستند و گروداران فهرستی فراتر از آنان را دربرمی‌گیرد (Hyder و همکاران، ۲۰۱۰؛ Decker و همکاران، ۲۰۱۵). ذی‌نفع بیانگر منفعت و سود یا ضرر و زیان است. به‌عبارت‌دیگر، ذی‌نفع کسی است که حیات‌اش به «گرو» ربط دارد. یعنی اگر کیفیت گرو افزایش یابد، مستقیماً نفع می‌برد و یا برعکس. اگر آسیبی به گرو وارد شود، او فردی است که مستقیماً ضرر می‌کند. پس ذی‌نفع، به دلیل اولویت تداوم زندگی اجتماعی‌اش، نقش، اهمیت و جایگاه بسیار بالایی در بین سایر گروداران دارد. به همین دلیل، اگر لازم باشد مدیریت مشارکتی اعمال شود، محور و ستون مشارکت، ذی‌نفعان هستند. البته همین جا پیشنهاد می‌شود تا از معادل فارسی «بهره‌برداران»، بجای واژه عربی «ذی‌نفعان» استفاده شود.

• دوم اینکه بسیاری از افراد یا نهادهایی که جز Stakeholder هستند نفعی برای خود از روابط مثلاً آب نمی‌برند، ولی شغل یا دغدغه و اندیشه آنان ایجاب می‌کند که درباره آب نظر دهند و در تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری موثر باشند. به‌عنوان مثال، کارمند اداره آب که نفع مستقیمی از تصمیمات مربوط به آب نمی‌برد، اما درگیر این مسائل است؛ چون شغل ایشان ایجاب می‌کند.

باید بیان کرد، شناسایی همه انواع گروداران منابع طبیعی آسان نیست (Kijazi, 2007؛ Prell و همکاران، 2009؛ Reed و همکاران، 2009). همین امر باعث شده است که اکثراً در شناسایی و تحلیل گروداران، از کسانی که اطراف خودمان نیستند، غفلت صورت گیرد. پس باید متذکر شد که همه گروداران به‌سادگی به چشم نمی‌آیند. در کل، گروداران را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: بهره‌برداران (ذی‌نفعان) و غیربهره‌برداران (غیرذی‌نفعان)^{۱۲}. جدول (۲)، فهرستی از کلیه گروداران منابع طبیعی را نمایش می‌دهد و انواع غیربهره‌برداران مرتبط با موضوعات آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی را نیز نام برده و تشریح می‌کند. تمام گروه‌های گروداران را می‌توان به انواع کوچکتری نیز تقسیم کرد. به‌عنوان مثال، نهادهای دولتی/حکومتی می‌توانند به وزارتخانه‌های مختلف، مجلس، قوه قضاییه و یا غیره تقسیم شوند. مزیت دسته‌بندی‌های دقیق‌تر این است که به فهرست بسیار دقیق‌تری از اسامی گروداران مختلف می‌رسیم. نکته منفی می‌تواند آن باشد که احتمال همپوشانی منافع و اقدامات بین این گروداران افزایش می‌یابد و حتی مهمتر از آن، به‌علت هزینه‌های اجرایی، شاید برای موفقیت در مشارکت گروداران، به این حجم از جزئیات نیاز نباشد. در نتیجه باید در شناسایی گروداران، به اولویت‌های مورد نیاز بیشتر دقت شود.

یک تفاوت اساسی بین بهره‌بردار (یا بهره‌بر) و بهره‌ور^{۱۳} وجود دارد. بهره‌بردار کسی است که شغل و زندگی‌اش وابسته به گرو است. او تلاش می‌کند تا بتواند با برداشتن بهره از عرصه، زمینه درآمدزایی و تدوام معیشت خود را رقم بزند. پس موفقیت در پایداری کمیت و کیفیت گرو حال می‌خواهد آب باشد یا زیستگاه‌های طبیعی یا محیط‌زیست، بستگی به موفقیت در خودکفایی زیستی او دارد. یک بهره‌بردار مرتع (مرتعدار) سعی می‌کند با مدیریت چرا، کمیت و کیفیت مرتع را برای سالیان سال داشته باشد. یعنی اگر آسیبی به مرتع وارد شود، او تنها کسی است که مستقیماً ضرر می‌کند. ولی بهره‌ور کسی است که مستقیماً از خود گرو، بهره‌ای برداشت نمی‌کند اما به‌علت وجود آن گرو، غیرمستقیم از مواهب آن، به بهره‌هایی نائل می‌شود. مثلاً رستورانی که در کنار مرتع و چشم‌انداز زیبایی تاسیس شده و در اثر ارائه خدمات به گردش‌گران، کسب درآمد دارد. تفاوت آشکار بهره‌بردار با بهره‌ور در این است که اگر آن مرتع، نابود یا تغییر کاربری دهد، مرتعدار مجبور به مهاجرت زیستی یا مکانی شده یا کارمزدوری می‌شود. اما اگر تغییر کاربری مرتع مثلاً به توسعه مجتمع‌های مسکونی منجر شود، ممکن است برای بهره‌ور حتی شرایط کسب منفعت افزایش یابد.

گاهی در مطالعات، از اصطلاح «گروداران کلیدی»^{۱۴} استفاده می‌شود. این تفکیک مواقعی صورت می‌گیرد که شناسایی کلیه گروداران مشکل است؛ زمان و هزینه برای بسط شناسایی گروداران

حتی اگر خشک‌سالی شود و کلیه چاه‌های کشاورزی منطقه هم خشک شوند، ممکن است بر شغل ایشان تاثیر چندانی نداشته باشد. زیرا حقوق خود را، فارغ از دوران ترسالی یا خشک‌سالی، همیشه از اداره دریافت می‌کند. می‌توان تاکید کرد که مسئولان اداری، نوعی بازیگر^{۱۵} یا عامل^{۱۶} هستند و نقشی که به آنها داده شده را بازی می‌کنند: مثلاً در نقش کارمند، کارشناس و مدیر یا وزیر. برای آنها پیروی از دستورالعمل‌های سازمان یا نهاد در اولویت است. پس تا آنجا در امور دخیل هستند که این نقش از آنها خواسته شده است تا بازیگری نکنند. مثال دیگر اینکه محقق، دانشمند و یا کنش‌گر محیط‌زیستی^{۱۷} که تحولات و مالکیت و همچنین تصمیم‌های آب ممکن است، حتی به‌علت بُعد مسافت، مثلاً نفع مستقیم یا غیرمستقیمی برای شغل یا زندگی شخصی او نداشته باشد ولی دغدغه دارد تا تجربیات و دانسته‌های علمی خود که صلاح جامعه را تامین می‌کند منتشر نماید، اینها گروه علاقمندان را می‌سازند. کنش‌گر کسی می‌باشد که ممکن است از موضوعی منفعت و سود نبرد، حتی گاهی با ضرر و زیان مواجه شود، اما به‌علت تحول‌خواهی، به تلاشی خودجوش و اینترگرانه می‌پردازد تا بتواند فعالانه برای جامعه از نظر توسعه اجتماعی-زیستی، آینده‌سازی کند. فعالان منابع طبیعی و محیط‌زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌های) محیط‌زیستی^{۱۸}، مثال مناسبی از گرودار کنش‌گر هستند که در این راه، حتی هزینه‌های مالی و جانی زیادی را هم متحمل شده‌اند. با این وجود، چنین فرد یا نهادی جز گروداران است اما نمی‌تواند جز ذی‌نفعان باشد (Belal و Uddin, 2019).

• سوم گروداران با ریشه پارسی، بر واژگان دیگر هم معنی که بیشتر عربی هستند، برتری دارد.

در برخی از ادبیات علمی، مشابه واژه انگلیسی Stakeholder، دو واژه مدیریتی دیگر یعنی Stockholder و Shareholder نیز استفاده می‌شوند. این واژگان با وجود مشابهت ظاهری، تفاوت معنایی با هم دارند که هر از گاهی به اشتباه، به‌جای یکدیگر استفاده می‌شوند. مثلاً در موضوع بازاریابی، Stakeholder شامل صاحبان سهام، کارکنان، مشتریان، شرکت‌های تبلیغاتی، زنجیره توزیع، تامین‌کنندگان مواد اولیه و غیره است. درحالی‌که Stockholder به مفهوم «سهام‌داران» یا «صاحبان سهام» هستند و کسانی می‌باشند که در مالکیت سازمان و یا شرکت سهیم هستند، بخشی از سهام آن را دارند و به عبارتی در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این واژه در بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری معمولاً به‌جای واژه‌های «Investors»، «Shareholders»، و «Owners» نیز به‌کار می‌رود (Kaler, 2003؛ Boatright, 2006؛ Charron, 2007). از آنجایی که در زیستگاه‌های طبیعی، بخش خصوصی فعال نیست، به‌کاربردن این واژگان به‌ویژه واژه «سهام‌داران»، در حمایت، مدیریت و حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی، فعلاً جایگاهی ندارند.

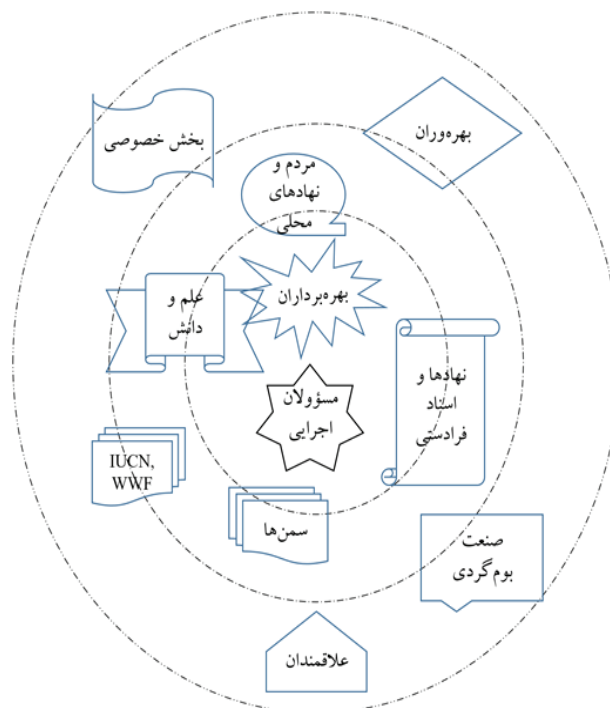
محدود است؛ ویژگی‌های خاص موضوع مورد مطالعه چنین ایجاب می‌کند؛ و یا همین افراد یا نهادهای کلیدی برای کاربردی بودن بحث کفایت کنند. در همین زمینه، Gaur (۲۰۱۳) گروه‌داران کلیدی هر کسب‌وکاری را همانا اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان، دولت (و نمایندگی‌های آن)، صاحبان (سهام‌داران)، تامین‌کنندگان، اتحادیه‌ها و جامعه‌ای که کسب‌وکار منابع خود را جذب می‌کند، برمی‌شمرد.

به اعتقاد ایشان، همه سهام‌داران برابر نیستند. مثلاً مشتریان شرکت حق دارند به شیوه‌های تجاری منصفانه دست یابند، اما آنها مجاز به دسترسی به حساب کارکنان شرکت نیستند. با این توضیح، می‌توان تصدیق کرد در شناسایی گروه‌داران منابع طبیعی، باید ابتدا اهداف بررسی مشخص شوند. سپس با انجام تحلیل گروه‌داران، گروه‌داران کلیدی مشخص خواهند شد.

جدول ۲- فهرست گروه‌داران منابع طبیعی (آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی)

معادل انگلیسی	معادل فارسی	شرح	مثال از گروه‌دار (مثلاً برای گروه مرتع)
Beneficiaries (consumers)	بهره‌بردار، بهره‌بر، مصرف‌کننده (معادل عربی ذی‌نفع، ذی‌حق، ذی‌دخل، ذی‌ضرر)	گروه‌داری که مستقیم، نفع یا ضرر می‌برد. بود و نبود «گروه»، به بود و نبود زندگیش وابسته است.	مرتج‌دار (اگر مرتع مناسب نداشته باشند، معیشتش دشوار است)؛ تعاونی مرتج‌داری
Users	بهره‌ور، کاربر	گروه‌داری که غیرمستقیم از گروه نفع می‌برد.	رستورانی کنار مرتع که در اثر ارائه خدمات به گردش‌گران، کسب درآمد دارد.
Authority (Practitioner)	مسئول اجرایی، دست‌اندرکار، مدیر، کارشناس اداره، ذی‌ربط	سازمان دولتی مسئول	سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری
National or political actors	مسئولان فرادست، نهادهای دولتی و حکومتی موثر، ذی‌مدخل	نهادهای دولتی و حکومتی موثر فرادست، دخیل یا دخالت‌کننده در کمیت یا کیفیت گروه یا مدیریت آن	وزارت جهادکشاورزی؛ سازمان برنامه و بودجه؛ مجلس؛ قوه قضاییه؛ نیروی انتظامی
Scientists and researchers	متخصصان، پژوهش‌گران، دانشمندان و دانشگاہیان	پژوهش‌گری که در مورد گروه پژوهش می‌کند.	دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه فردوسی مشهد
Commercial/ private for-profit actors	افراد، نهادها یا سازمان‌های خصوصی، سرمایه‌گذاران منطقه‌ای	گروه‌دار خصوصی که نسبت به گروه، علاقه یا دغدغه دارد.	صنایع و معادن اطراف مرتع؛ تولیدکننده زغال؛ بانک؛ مهندسان مشاور
Proactivist/ non-profit organizations	کنش‌گران، اینترگران	فعالان محیط‌زیستی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد منابع طبیعی و محیط‌زیستی	انجمن ملی توان‌افزایان زندگی سبز (اتازیس)
Civil society member/ local actors	شهروندان؛ جوامع و تشکل‌های محلی	روستائیان؛ نهادهای مردمی محلی که سایر امور مردم محل را رفع یا تسهیل می‌کنند.	کشاورزان؛ مردم محلی، تعاونی روستایی
International actors	افراد و تشکل‌های بین‌المللی	افراد و نهادهای فرا-ملی که در امور و مسائل زیستگاه‌های طبیعی فعال‌اند.	IUCN, WWF
Ecotourism industry	صنعت بوم‌گردی (اکوتوریسم)	گردش‌گری طبیعت‌محور یا بوم‌محور که بابت بازدید، به طبیعت و مردم محلی سود می‌رساند.	بوم‌گرد (اکوتوریست)؛ گردش‌گران؛ شرکت‌های بوم‌گردی؛ ستاره‌شناسان
Embracer other interest (Parties)	علاقه‌مندان، ذی‌علاقه	سایر گروه‌دارانی که به نحوی سهم، رسالت، علاقه، دغدغه یا حتی مخالفت دارند.	خبرنگاران منابع طبیعی و محیط‌زیستی؛ خیرین؛ کوه‌نوردان، قاچاقچیان

بهره‌برداران از رویکرد مشخص و منسجمی برخوردار نیستند و در مقابل، کارهای روزمره بخش اجرایی که گاهی تناسبی با اولویت‌های بهره‌برداران ندارد، امکان نزدیکی و همکاری این دو مجموعه، به‌سادگی میسر نیست. پس این دو مجموعه باید تمام و کامل با یکدیگر و براساس اصول مذاکره و حل تعارضات، به یک درک و تفهیم مشترک از همکاری و مشارکت برسند (جنتی چنار و همکاران، ۱۳۹۹). تاکید می‌شود که تصمیم‌گیرندگان اصلی، بهره‌برداران و مسئولان اجرایی هستند. در گام بعدی، آن دو مجموعه، نیاز دارند تا اسناد فرادستی، یافته‌ها، ادعاها، خواسته‌ها و انتظارات نهادهای مختلف فرادستی، متخصصان، محلی‌ها و سمن‌ها و همچنین دستورالعمل‌های بین‌المللی را در نظر گرفته و در جلسات مشترکی به همگرایی و یاریگری با این مجموعه‌های جدید برسند. هر چند ادغام‌شدگان جاری، بیشتر توانایی تصمیم‌گیری در سطح کلان موضوع را دارند اما در سطح خرد نیز، بسیار موثر هستند. پس می‌تواند بخش بزرگی از تصمیم‌سازی‌ها در این مرحله انجام شوند. از طرف دیگر، در آخرین لایه، باید موضوعات و خواسته‌های سایر گروه‌داران حاشیه‌ای یعنی بهره‌وران و بخش‌های خصوصی و گردش‌گری را برای تداوم پایداری و جهت تقویت و توانمندسازی درونی و بیرون‌سازمانی، به ابعاد مختلف مشارکت و همکاری خود اضافه نمایند. ترکیب جاری می‌تواند پیشنهادهایی برای لحاظ کردن در تصمیم‌سازی‌ها ارائه دهد و همچنین در پایداری اقتصادی و نیز تبلیغات و بازاریابی سهیم باشد. در نهایت، این تعامل لایه‌های مختلف گروه‌داران است که به موفقیت مدیریت، حمایت و حفاظت منابع آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی می‌انجامد.



شکل ۱- اهمیت و جایگاه گروه‌داران منابع طبیعی

در شکل (۱)، اهمیت و جایگاه تقریبی گروه‌داران منابع طبیعی ارائه شده است. برای هر گروه‌دار از شکل مختلفی استفاده شده است تا سادگی یا پیچیدگی، گویایی یا ابهامی، انسجام یا گسیختگی، راحتی یا سختی، و بالقوه یا بالفعل بودن آن گروه‌دار را مشخص سازد. برای پیش بردن اهداف مدیریت مشارکتی، اولویت اصلی همانا تمرکز بر بهره‌برداران و مسئولان اجرایی است. زیرا آنها، جز گروه‌داران کلیدی هستند. از آنجایی‌که

تحلیل گروه‌داران، تحلیل محیطی و مشارکت گروه‌داران

(۲۰۱۰)، و همچنین Welp و Stoll-Kleemann (۲۰۰۷) مراجعه شود. برای هرگونه تغییر و تحول آینده‌ساز، نیاز است، تحلیل گروه‌داران صورت گیرد.

در ادامه لازم است، به کمک مدل‌های تحلیل محیطی، شرایط و پارامترهای مختلف وضعیت جاری توسط گروه‌داران تحلیل شده، پایش و ارزیابی شوند. این تحلیل می‌تواند توسط ابزارها و مدل‌هایی همچون ابزار PRA^۱، مدل PESTEL^۲، مدل SWOT^۳، مدل DPSIR^۴، و مدل SOAR^۵ صورت گیرند. برای ارتقای مشارکت گروه‌داران، ضروری است، باتوجه‌به اهداف، موقعیت مکانی-سیاسی و همچنین ویژگی‌های هر کدام از گروه‌داران، ابزار مناسبی را برای تقویت مدیریت مشارکتی به‌کار برد که جدول (۳) به‌طور خلاصه آنها را شرح داده است.

روش‌های متفاوتی برای شناسایی، تمایز و تحلیل گروه‌داران وجود دارد. از جمله این روش‌ها می‌توان به مدل میچل و همکاران (Mitchell و همکاران، ۱۹۹۷)، مدل بانک جهانی (Rietbergen-McCracken و همکاران، ۱۹۹۸)، مدل Elias و همکاران (۲۰۰۲)، مدل Friedman و Miles (۲۰۰۶)، مدل Vos و Achterkamp (۲۰۰۶)، مدل Wu (۲۰۰۷)، مدل Chen و Sackett (۲۰۰۷)، مدل Johnson و همکاران (۲۰۰۸)، مدل Jepsen و Eskerod (۲۰۰۹)، مدل Freeman و همکاران (۲۰۱۰)، و مدل Nysten-Haarala و Tysiachniouk (۲۰۱۳) اشاره کرد. برای مدل‌ها و روش‌های بیشتر، به نوشتارهای Cuppen (۲۰۱۶)، Orr (۲۰۱۳)، و Freeman

جدول ۳- ابزارهای ارتقای مشارکت گرداران (سالاریان، ۱۳۹۸)

روش / ابزار	آگاهی	مشاوره	واردکار شدن	مشارکت	توانمندسازی
Community fairs	*				
Key stakeholder interviews	*	*			
Focus groups		*			
Civic journalism	*	*			
Interactive TV		*			
Snowball sampling		*	*		
Photo voice		*	*		
Fishbowl	*	*	*		
MODSS		*	*	*	*
Public meeting		*	*	*	*
Delphi study		*	*	*	*
Brainstorming	*	*	*	*	*
Visioning	*	*	*	*	*
Workshops	*	*	*	*	*
Expert panel	*	*	*	*	*
Mind maps	*	*	*	*	*
Samoa circles	*	*	*	*	*

بحث و نتیجه‌گیری

لازمه مدیریت مشارکتی-تطبیقی در هر موضوعی، شناخت افراد و نهادهای مرتبط است. در این بین، واژگان مختلفی برای تفکیک آنها از یکدیگر همچون ذی‌نفعان، دست‌اندرکاران، مسؤولان، ذی‌مدخلان، ذی‌ربطان، ذی‌حقان، بهره‌بران، بهره‌برداران، بهره‌وران، بازیگران، کنش‌گران، خیرین، و علاقمندان به کار گرفته می‌شوند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی، به واکاوی عناوین فوق پرداخته و به جامعیت عنوان گرداران و انواع آن می‌پردازد. زیرا معتقد است که درک نادرست یا محدود از واژه گرداران منابع طبیعی، به تنهایی برای شکست طرح‌ها یا نابودی منابع طبیعی کافی است. بحث تحلیل گرداران از این جهت مهم است که امروزه ایجاد موازنه بین نیازها، خواسته‌ها و انتظارات متفاوت گرداران مختلف، بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و پیچیدگی‌های زیادی دارد. در نتیجه، شناسایی، تحلیل و همکاری گرداران، اساس مدیریت مشارکتی و حفاظت پایدار است.

هدف اصلی این مقاله، روشن‌گری در مورد واژه گرداران و انواع آنها در حکم‌روایی خوب منابع طبیعی (آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی) بود. طبق تعریف، گرداران منابع طبیعی به کلیه افراد، گروه‌ها یا نهادهایی اطلاق می‌شود که زندگی، معیشت، سهم، کار یا دغدغه و علاقه آنان به منابع طبیعی گره خورده و ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، تحت تاثیر سیاست‌های منابع طبیعی قرار گرفته یا توانایی تاثیرگذاری مثبت یا منفی بر نتیجه را داشته باشند.

همچنین این مقاله به اهمیت شناسایی و تحلیل گرداران در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌های مربوط پرداخت. این مقاله استدلال می‌کند، در اثر شناسایی و تحلیل دقیق و در نهایت مشارکت گرداران در سیاست‌ها و پروژه‌های منابع طبیعی، مزایای اجتماعی، اقتصادی و محیطی بسیاری حاصل خواهد شد. بنابراین اولین گام برای حکم‌روایی خوب و همکاری موثر گرداران منابع طبیعی، شناسایی افراد و نهادها و تعیین انگیزه آنها است. زیرا ممکن است هر کدام از آنها انگیزه‌ها، نیازها، خواسته‌ها و منافع مختلفی داشته باشند. به علاوه، یافته‌ها تاکید می‌کنند، تحلیل گرداران و مشارکت گرداران از نظریه به عمل شروع به حرکت کرده است. در نتیجه، ضروری است تا در این زمینه، بیشتر ورود داشته شود.

این مقاله واژه برگردان گرداران را برای واژه انگلیسی Stakeholders پیشنهاد نموده و انواع گرداران را در ۱۱ گروه، تقسیم‌بندی کرده است (جدول ۲). در ادامه، شکل (۱) نشان داد، نه تنها تحلیل گرداران، بلکه یاریگری گرداران^{۳۱} پیچیدگی‌های زیادی داشته و بسیار زمان‌بر است. این شکل، فرایند تصمیم‌سازی و در نهایت گرداران تصمیم‌گیر را برجسته می‌سازد. می‌توان از آنها به‌عنوان گرداران کلیدی نیز یاد کرد. در نتیجه، تمرکز بیشتر کنش‌ها باید به لایه‌های درونی این شکل باشد زیرا آنان تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر اصلی هستند و موضوعات آب، زیستگاه‌های طبیعی یا مسائل محیط‌زیستی برای آن‌ها حیاتی هستند.

نسیم نیکولاس طالب در کتاب جدیدش تحت عنوان «Skin in

- 1-Proportional
- 1-Natural resources governance
- 2-Sovereignty
- 3-Good governance
- 4-Participatory management
- 5-Adaptive co-management
- 6-Stakeholder Theory
- 7-Beneficiaries
- 8-Actor
- 9-Agent
- 10-Environmental Proactivist
- 11-Environmental Non-governmental Organizations (ENGOs)
- 12-Non- beneficiaries
- 13-Beneficiary (direct user)
- 14-User (Indirect Beneficiary)
- 15-Key Stakeholder
- 16-Participatory Rural Appraisal
- 17-Political, Economic, Social, Technological, Environmental and Legal factors
- 18-Strength, Weakness, Opportunity, and Threat Analysis (SWOT)
- 19-Drivers, Pressures, State, Impact and Response Model of Intervention
- 20-Strengths, Opportunities, Aspirations, Results
- 21-Stakeholder Engagement

۲۲- این کتاب با عنوان «پوست در بازی» نشر یافته است که با توجه به ابهام در عنوان ترجمه شده و همچنین باتوجه به محتوای کتاب، بهتر بود «پات گیره» ترجمه می‌شد.

منابع

- پایسته، م.، کلاهی، م. و عمرانیان خراسانی، ح. ۱۳۹۹. معیارها و شاخص‌ها: الزامی برای شناخت، به‌کارگیری و ارزیابی حکمرانی خوب در منابع طبیعی. آب و توسعه پایدار، ۷(۱): ۱۳-۲۲.
- پایسته، م. ۱۳۹۸. حکمرانی مشارکتی- تطبیقی در منابع طبیعی. پایان نامه ارشد، دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست، دانشگاه فردوسی مشهد.
- جنتی چنار، م. ع.، کلاهی، م. و مصدقی، م. ۱۳۹۹. تعارضات

«the Game»^{۲۳} (Taleb، ۲۰۲۰)، به برخی از بحث‌برانگیزترین و عمل‌گرایانه‌ترین موضوعات برای درک دنیا، توسعه شغلی و حرکت به سمت جامعه‌ای عادلانه و منصفانه پرداخته است تا ابزاری در اختیار قرار دهد که بتوان مهملات دیگران را تشخیص داد (رمضانی و بهمنی، ۱۳۹۸). این راهنمای عملی بیان می‌دارد عدالت اجتماعی وقتی ایجاد می‌شود که ریسک هر اقدامی بین گروه‌داران به‌طور متقارن به اشتراک گذاشته شود. نمی‌شود کسانی، تصمیماتی در مورد یک گروه بگیرند، حتی از سودی هم برخوردار شوند، اما ریسک آنرا به دیگران منتقل کنند. او همچنین تاکید می‌کند، اگر کسی ریسک تصمیم یا اقدام خود را قبول نمی‌کند، مورد اعتماد نیست، زیرا در این صورت کلاه‌بردارها همیشه نفع می‌برند اما هیچ وقت از اشتباه‌هایشان ضرر نمی‌کنند. از طرف دیگر، قانون طلایی اخلاق می‌گوید «آنچه را برای خود می‌پسندید، برای دیگران هم بپسندید». این روشن‌گری کمک می‌کند تا جایگاه و کیفیت گروه‌داران منابع طبیعی ارزیابی شوند. به این طریق که اگر فردی گروه‌دار، سخنی، تصمیمی یا اقدامی را ابراز یا پافشاری می‌کند، باید سنجید که آیا ریسک آن پیشنهاد را هم می‌پذیرد یا نه. اگر نمی‌پذیرد پس نباید او را فردی جدی و ضروری در همکاری گروه‌داران قلمداد کرد. اگر چنین شود، اقدامات با ریسک بالا را دیگر نمی‌توان به‌عنوان ریسک کم معرفی کرد، به‌جای کلی‌گویی می‌توان به راه‌حل رسید، همچنین طرف‌های گروه به یک اندازه در ریسک بوده، و تقارن مسئولیت‌ها و حس مسوولیت‌پذیری به یک نسبت توزیع شده است.

موضوعات منابع طبیعی به‌ویژه آب، زیستگاه‌های طبیعی و مسائل محیط‌زیستی، به شدت نامتمرکز و تکه تکه شده‌اند و گروه‌داران زیادی با خواسته‌ها و رویکردهای مختلف و هر از گاهی متقابل وجود دارند. بنابراین مشارکت، همکاری و درگیر کردن گروه‌داران در منابع طبیعی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا از طریق آنها، حکم‌روایی تبدیل به ستون فقرات قوانین و سیاست‌های موثر خواهد شد. از طرف دیگر، دولت در نقش سنتی خود به‌عنوان تنها قدرت تصمیم‌گیرنده، نتوانسته است در پیشبرد مدیریت و حتی اجتماعی‌سازی موضوعات منابع طبیعی و مسائل محیط‌زیستی موفق عمل نماید. بنابراین، با درنظر گرفتن شرایط جاری، اکنون حیاتی‌تر از همیشه است تا مسؤولان دولتی/حکومتی، سیاست‌های باز را اتخاذ کنند که بر تفویض اختیار و همچنین همکاری بهره‌برداران و سایر گروه‌داران متمرکز هستند. زیرا با حکم‌روایی خوب منابع طبیعی است که مشخص می‌شود چه کسی، چه چیزی را، کی و چگونه انجام داده/می‌دهد یا به‌دست آورده است یا خواهد آورد؛ این یعنی همان توزیع متقارن ریسک و مسوولیت که ضرورت مشارکت و یاری‌گری است.

- with stakeholder management. *Journal of Private Enterprise*, 21: 106-130
- Charron DC. 2007. Stockholders and stakeholders: The battle for control of the corporation. *Cato Journal*, 27(1): 1-22.
- Chen Y.C.K. and P.J. Sackett. 2007. Return merchandise authorization stakeholders and customer requirements management—high-technology products. *International journal of production research*, 45(7): 1595-1608.
- Crawford B.A., Katz R.A., and McKay S.K.. 2017. Engaging stakeholders in natural resource decision-making. Environmental Laboratory (US), Technical Report of ERDC/TN EMRRP-SR-83.
- Cuppen E. 2016. Stakeholder Analysis. *Foresight in Organizations: Methods and Tools*. 1st Edition, Routledge prees. New York.
- Decker D.J., Forstchen A.B, Pomeranz E.F, Smith C.A., Riley S.J., Jacobson C.A., Organ J.F and Batcheller G.R. 2015. Stakeholder engagement in wildlife management: Does the public trust doctrine imply limits?. *The Journal of Wildlife Management*, 79(2):174-179.
- Elias A. A., Cavana R. Y. and Jackson L. S. 2002. Stakeholder analysis for R&D project management. *R&D Management*, 32(4):301-310.
- Ford J.K., Riley S.J., Lauricella T.K. and Van Fossen J.A.. 2020. Factors Affecting Trust Among Natural Resources Stakeholders, Partners, and Strategic Alliance Members: A Meta-Analytic Investigation. *Frontiers in Communication*, 5(9): 1-13.
- Freeman R. E. 2001. A stakeholder theory of the modern corporation. *Perspectives in Business Ethics* Sie, 3(144): 38-48.
- Freeman, R. E. 2010. *Strategic management: A stakeholder approach*. Cambridge university press, 1st Edition, Cambridge, United Kingdom.
- Freeman, R. E., J. S. Harrison, A. C. Wicks, B. L. Parmar and S. De Colle. 2010. *Stakeholder theory: The state of the art*. Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom.
- Friedman, A. L. and S. Miles. 2006. Stakeholders: The اجتماعی و مدیریت مراتع: مطالعه موردی مراتع شهرستان کلات نادر. *بوم‌شناسی کاربردی*، (۳): ۷۷-۹۷.
- جنتی چنار، م.ع. و کلاهی، م. ۱۳۹۷. تضادهای بین دامداران و اداره منابع طبیعی. *هفتمین کنفرانس ملی مرتع و مرتعداری ایران*، ۱۳۷، ۱-۱۷.
- حسینی س.ک. و نوروزی م. ۱۳۹۵. ضرورت حکمرانی منابع طبیعی با تأکید بر نفت و گاز در ایران: تبیین نظریات و بررسی تجارب. *ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، ۱۳۳: ۹-۱۶.
- داورانی، م. ۱۳۹۶. اخلاق آب: خواندنی‌های اساسی برای پژوهشگران و کارشناسان. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. نوبت اول. تهران.
- درودیان، ح.ر. ۱۳۹۶. یاریگری گروداران در حکمرانی فراگیر آب. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. نوبت اول. تهران.
- رمضانی، س. و بهمنی. ه. ۱۳۹۸. پوست در بازی: عدم تقارن‌های پنهان در زندگی روزمره. نشر نوین، نوبت اول. تهران.
- سالاریان، م. ۱۳۹۸. چارچوب برنامه ریزی مشارکتی برای مدیریت راهبردی آب با تلفیق تجارب داخلی و خارجی. رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریف زاده اقدم، ا.، شیخی، ع. و اجزاء شکوهی، م. ۱۳۹۷. ارزیابی حکمروایی خوب در پایداری محله‌های شهری پیرانشهر. *فصلنامه شهر پایدار*، ۱(۳): ۱۰۹-۱۲۸.
- شریف‌زاده، ف. و قلی‌پور، ر. ۱۳۸۲. حکمرانی خوب و نقش دولت. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱(۲): ۹۳-۱۰۹.
- طاهری تیزرو، ع. قلعه بان تکمه داش، م. و زارع ایبانه، ح. ۱۳۹۷. بررسی اثر قدرت گروداران ذی‌نفوذ در مدیریت مشارکتی منابع آب دشت قزوین. *مجله پژوهش‌های حفاظت آب و خاک*، ۲۵(۲): ۱۱۱-۱۳۰.
- کلاهی، م. ۱۳۹۹. ساختارهای مدیریتی جهت تحقق سیاست‌های کلی محیط‌زیست. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۸(۳۱): ۵۱۰-۵۳۴.
- کلاهی، م. ۱۳۹۸. دانش محیط‌زیستی: از دانایی تا توانایی. تهران: انتشارات تحقیقات آموزش کشاورزی. نوبت اول. تهران.
- نوشین‌فر، و. ۱۳۹۶. آب، بوم‌سازگان و جامعه: تلاقی رشته‌ها. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. نوبت اول. تهران.
- Armitage D., Berkes F. and Doubleday N. 2010. *Adaptive co-management: collaboration, learning, and multi-level governance*. UBC Press. Vancouver.
- Boatright J.R. 2006. *What's wrong—and what's right—*

- Khojir National Park. *Environmental management*, 52(2): 514-530.
- Kolahi M., Sakai T., Moriya K., Yoshikawa M. and Trifkovic S.. 2014b. Visitors' characteristics and attitudes towards Iran's national parks and participatory conservation. *Parks*, 20(1): 53-66.
- Kolahi M., Sakai T., Moriya K., Yoshikawa M and Esmaili T. 2014a. From paper parks to real conservations: Case study of social capital in Iran's biodiversity conservation. *International Journal of Environmental Research*, 8(1): 101-114.
- Mitchell R. K., Agle B. R. and Wood D. J. 1997. Toward a theory of stakeholder identification and salience: Defining the principle of who and what really counts. *Academy of management review*, 22(4): 853-886.
- Nysten-Haarala S. and Tysiachniouk M.. 2013. Trust in forest industry relations in Northwest Russia. *Forest Policy and Economics*, 31: 1-49.
- Orr S. K. 2013. *Environmental policymaking and stakeholder collaboration: Theory and practice*. CRC Press.
- Prell C, Hubacek K, Reed M. 2009. Stakeholder analysis and social network analysis in natural resource management. *Soc Nat Resour*, 22: 501-518
- Reed M.S., Graves A., Dandy N Posthumus H., Hubacek K., Morris J., Prell C., Quinn C.H. and Stringer L.C. 2009. Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *International of Environmental Management*, 90: 1933-1949
- Rietbergen-McCracken J. and Narayan-Parker D. (Eds.). 1998. *Participation and social assessment: tools and techniques (Vol. 1)*. World Bank Publications. 1st Edition. Washington.
- Stakeholder, 15 March 2020. Cambridge English Dictionary. Available at <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/stakeholder>.
- Stakeholder, 15 March 2020. Longman Dictionary of Contemporary English. Available at <https://www.ldoceonline.com/dictionary/stakeholder>.
- Stakeholder, 15 March 2020. Merriam-Webster Dictionary and practice. Oxford University Press on Demand. 1st Edition. UK.
- Gaur V. 2013. Understand your stakeholders. *International Journal of Advancements in Research & Technology*, 2(1): 1-8.
- Grimble R. and Wellard K. 1997. Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of principles, contexts, experiences and opportunities. *Agric Syst*, 55: 173-193
- Grindle M. 2012. Good governance: The inflation of an idea. *Planning ideas that matter*, 259-282.
- Habitat U. N. 2006. *State of the World's Cities 2006/7*. New York: United Nations.
- Hardin G. 1968. The tragedy of the commons. *Science*, 162(3859): 1243-1248.
- Hitt M. A., R. D. Ireland and R. E. Hoskisson. 2010. *Strategic management: Concepts: Competitiveness and globalization*.
- Hyder A, Syed S, Puvanachandra P, et al. 2010. Stakeholder analysis for health research: case studies from low-and middle-income countries. *Public Health* 124:159-166
- Jepsen, A. L. and P. Eskerod. 2009. Stakeholder analysis in projects: Challenges in using current guidelines in the real world. *International Journal of Project Management*, 27(4): 335-343.
- Johnson, G., K. Scholes and R. Whittington. 2008. *Exploring Corporate Strategy*. Financial Times Prentice Hall.
- Kaler J. 2003. Differentiating stakeholder theories. *J Bus Ethics* 46: 71-83
- Kijazi MH. 2007. Stakeholder-centered forest evaluations: needs, priorities and wellbeing of forest beneficiaries, Kilimanjaro, Tanzania. Unpubl PhD Thesis Univ Toronto
- Kolahi M., Sakai T., Moriya K. and Makhdoum M. F. 2012. Challenges to the future development of Iran's protected areas system. *Environmental management*, 50(4): 750-765.
- Kolahi, M., T. Sakai, K. Moriya, M. F. Makhdoum and L. Koyama. 2013. Assessment of the effectiveness of protected areas management in Iran: Case study in

- strategies and beneficiary accountability: an NGO case study. In: Accounting Forum. Taylor & Francis. 1st Edition.
- Vos J. F. and Achterkamp M. C. 2006. Stakeholder identification in innovation projects. *European Journal of Innovation Management*, 9(2): 161-178.
- Worboys G. L., Lockwood M., Kothari A., Feary S. and Pulsford I. (Eds.). 2015. *Protected area governance and management*. ANU Press. 1st Edition. world.
- Wu X. 2007. Stakeholder identifying and positioning (SIP) models: From Google's operation in China to a general case-analysis framework. *Public Relations Review*, 33(4): 415-425.
- tionary. Available at <https://www.merriam-webster.com/dictionary/stakeholder>.
- Stakeholder, 15 March 2020. Oxford Lexico Dictionaries. Available at <https://www.lexico.com/en/definition/stakeholder>.
- Stoll-Kleemann, S. and M. Welp (Eds.). 2007. *Stakeholder dialogues in natural resources management: theory and practice*. Springer Science & Business Media.
- Taleb N. N. 2020. *Skin in the game: Hidden asymmetries in daily life*. Random House Trade Paperbacks, 1st Edition. Uitgeverij Nieuwezijds. Amsterdam.
- Uddin M.M., and Belal A.R. 2019. Donors' influence